

قدرت توضیح‌دهندگی سود هر سهم شرکت با تأکید بر اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل در تقسیم سود نقدی

پرویز پیری^۱، حمزه دیدار^۲، زهرا علیخانی^۳

چکیده

در بسیاری از شرکت‌ها، مجمع بر اساس سود گزارش شده شرکت اقدام به تصویب درصد سود نقدی می‌نمایند. در حالی که به نظر می‌رسد، به نظرات حسابرس که در بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل منعکس شده است، توجه کافی نمی‌شود. لذا انتظار می‌رود با انجام تحقیق حاضر بتوانیم قدرت توضیح‌دهندگی سود هر سهم شرکت را با توجه به بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل در تقسیم سود نقدی مورد بررسی قرار دهیم. بر همین اساس به وسیله رگرسیون داده‌های ترکیبی برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار گرفته است که از میان آن‌ها در مجموع ۷۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سود هر سهم شرکت با توجه به اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل، بر پرداخت سود اثر منفی و معناداری دارد. اما اثر این متغیر بر ارتباط بین سود هر سهم شرکت و سود تقسیمی هر سهم معنادار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سود هر سهم شرکت، اثرات بندهای تعدیلی، سود نقدی تقسیمی.

۱. استادیار حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه

۲. استادیار حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه

۳. کارشناسی‌ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه

مقدمه

در خصوص تقسیم سود، تئوری‌ها و دیدگاه‌های زیادی مطرح شده است. برای مدیران و سرمایه‌گذاران نیز این مسأله از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو بخشی از توان و توجه مدیران شرکت‌ها معطوف به مقوله‌ای است که از آن با عنوان خطمشی تقسیم سود یاد می‌شود. می‌توان گفت تغییر خطمشی تقسیم سود شرکت به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیام می‌دهد که وضعیت مالی شرکت چگونه است. از جمله موارد عدم شفافیت اطلاعاتی بازار، مشخص نبودن خطمشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد که به نظر می‌رسد در بورس به آن توجه خاصی نشده است. این موضوع می‌تواند راهگشای تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع، به ویژه سرمایه‌گذاران باشد. زیرا دلایل و عوامل تعیین‌کننده به دست آمده از این ریشه‌یابی، نه تنها به توضیح رفتار شرکت‌ها در گذشته کمک می‌نماید، بلکه ابزاری را برای پیش‌بینی حرکت و مسیر آتی آن‌ها در این حوزه فراهم می‌آورد.

از طرفی تصمیم‌گیری دربارهٔ پرداخت سود و مقدار آن، موضوع مهم و بحث‌برانگیزی در حوزه مدیریت شرکتی است؛ زیرا در این تصمیم‌گیری مقدار پولی که باید به سرمایه‌گذاران پرداخت شود و همچنین مقدار پولی که باید برای سرمایه‌گذاری مجدد انباشته شود، مشخص می‌شود. تأمین مالی از محل منابع داخلی یعنی عدم توزیع سود نقدی از طرفی برای شرکت مطلوب به نظر می‌رسد و از طرف دیگر ممکن است برنامهٔ سهامداران را برای تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی از این بخش را تغییر دهد. در عین حال در شرکت‌های ایرانی، مرجع تصمیم‌گیری نهایی در خصوص تقسیم سود مجمع عمومی عادی سالانه است. در نتیجه درک و فهم عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود علاوه بر حفظ منافع سرمایه‌گذاران باعث رشد شرکت و در نهایت افزایش امکان سود و جلب رضایت سهامداران از سیاست‌های شرکت می‌شود (سعیدی و بهنام، ۱۳۸۸).

بیان مسأله

تصمیم‌گیری درباره میزان پرداخت سود تقسیمی، از تصمیمات مهمی است که شرکت با آن مواجه است. سیاست تقسیم سود از عوامل مؤثر بر ارزش شرکت است. کشف و شناسایی دقیق عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود می‌تواند برای مدیران شرکت‌ها و سهامداران مفید واقع شود. سیاست تقسیم سود بین سهامداران، تداوم فعالیت شرکت را امکان‌پذیر و حداکثر نمودن ثروت سهامداران را ممکن می‌سازد (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). مقولهٔ سیاست تقسیم سود از دیدگاه‌های مختلف قابل بحث است. از منظر تئوری نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی ناشی از

تضاد بالقوه‌ای است که میان منافع سهامداران و مدیران وجود دارد. پرداخت درصد قابل توجهی از سود، یکی از مکانیزم‌های کنترلی سرمایه‌گذاران به منظور تعدیل این تضاد منافع است، زیرا سود سهام نقدی مدیریت را وادار می‌سازد تا:

۱. برای پرداخت سود نقدی به اندازه کافی وجه نقد ایجاد نماید.
۲. برای تأمین مالی پروژه‌های خود به بازار سرمایه مراجعه نموده و اطلاعات بیشتری را در اختیار بازار قرار دهد، و

۳. باعث کاهش جریان وجه نقد مازادی شود که به دلیل عدم استفاده مدیریت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور، هدر می‌رود (کاسکی و هالون، ۲۰۱۳). پرداخت سود سهام به صاحبان سهام یکی از راه‌هایی است که شرکت می‌تواند بدان وسیله مستقیماً بر ثروت سهامداران اثر بگذارد. بنابراین، هدف از اجرای چنین سیاستی تعیین نقشی است که این سیاست در به حداکثر رساندن ثروت سهامداران ایفا می‌کند. این سیاست در طول فرآیند برنامه‌ریزی اتخاذ می‌شود و بخشی از استراتژی بلند مدت سرمایه‌گذاری و تأمین مالی شرکت است که به‌طور همزمان تدوین می‌شوند (رمضان‌زاده‌زیدی، ۱۳۸۸).

همچنین اساس و پایه پرداخت سود تقسیمی، کسب سود به‌طور منظم است. شرکتی که نتواند به‌طور منظم سود کسب کند؛ به‌طور حتم، نمی‌تواند سیاست تقسیم سود منظمی داشته باشد (ایزدی‌نیا و علینقیان، ۱۳۹۰).

سود بر مبنای ارقام نقدی و تعهدی محاسبه و شناسایی می‌شود. براساس رویکرد تعهدی در صورت تحقق درآمدها و وقوع هزینه‌ها می‌توان سود را گزارش کرد. از آنجا که در مبنای تعهدی لزوماً شناسایی درآمدها و هزینه‌ها همراه با دریافت و پرداخت وجه نقد نبوده و در محاسبه سود نیز از پیش‌بینی‌ها و برآوردها استفاده می‌شود، از این رو این پرسش مطرح می‌شود که تا چه میزان می‌توان به این رقم در هنگام اخذ تصمیم اطمینان کرد؟ پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که اخذ تصمیم نادرست به سبب اطلاعات ناکافی و ناصحیح موجب می‌شود که تسهیم منابع به صورت ناعادلانه انجام شود. اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق و استفاده از برآورد و پیش‌بینی از جمله عواملی است که "کیفیت سود" و همچنین "سیاست‌های تقسیم سود" را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک طرف به دلیل آگاهی بیش‌تر آن‌ها از شرکت، انتظار می‌رود به گونه‌ای اطلاعات تهیه و ارائه شود که وضعیت شرکت را به بهترین نحو منعکس کند. از طرف دیگر ممکن است بنا به دلالتی نظیر ابقا در شرکت، دریافت پاداش و سایر عوامل، مدیر خواسته و یا ناخواسته وضعیت شرکت را مطلوب جلوه دهد. بنابراین کیفیت سود شرکت‌ها تحت تأثیر مبانی گزارشگری و صلاحدید مدیران آن‌ها قرار می‌گیرد. مدیریت سود

دخالت هدفمند مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است. یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای کیفیت حسابرسی است. زیرا، شرکت‌هایی که سود را دستکاری و مدیریت می‌کنند، بیش‌تر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل شده (غیر مقبول) داشته باشند. با توجه به تحقیق‌ها و مباحث پیش گفته، می‌توان نتیجه گرفت، کیفیت حسابرسی میزان اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود را کاهش می‌دهد (سجادی، عربی، ۱۳۸۹).

از طرفی شرکت‌ها با برگزاری مجامع سالانه، اقدام به ارائه گزارش عملکرد و درخواست تصمیم‌گیری در مورد برخی از امور شرکت می‌کنند. در اکثر اوقات، یکی از بحث برانگیزترین مباحث مجمع، تصمیم‌گیری پیرامون تقسیم سود نقدی است. به این دلیل که سهامداران برای دریافت بازده نقدی سرمایه‌گذاری خود، پیشنهاد توزیع حداکثری سود را ارائه می‌کنند و در مقابل مدیران شرکت‌ها برای جبران کمبود نقدینگی و جلوگیری از خروج منابع مالی، تمایلی به تقسیم سود ندارند. زیرا تأمین مالی از محل سود انباشته بسیار آسان‌تر از تأمین مالی از طریق بدهی است. در این میان توجه با اهمیتی به بندهای تعدیلی گزارش حسابرس نمی‌شود. بنابراین مباحث مختلفی در رابطه با تقسیم سود، از جمله میزان تقسیم سود و زمان پرداخت بین مدیران و سهامداران مطرح می‌شود که در نهایت تعیین‌کننده سیاست شرکت در مورد تقسیم سود نقدی است (بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۹).

بیکر و پاول (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که سود تقسیمی بیانگر پرداخت‌های نقدی عمده شرکت‌ها و یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها و تصمیمات فراروی مدیران به شمار می‌رود. در واقع، مدیر باید تصمیم بگیرد چه میزان از سود شرکت تقسیم و چه میزان در قالب سود انباشته مجدداً در شرکت سرمایه‌گذاری شود. هر چند پرداخت سود نقدی مستقیماً سهامداران را بهره‌مند می‌سازد، ولی این پرداخت‌ها، توانایی شرکت در انباشت سود به منظور بهره‌گیری از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۸۹). از این رو مدیران همواره باید بین علایق مختلف سهامداران تعادلی را برقرار نمایند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست نداده باشند و هم سود نقدی مورد نیاز بعضی از سهامداران را بپردازند. بنابراین تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران گرفته می‌شود بسیار حساس و دارای اهمیت است. تردیدی نیست که مدیران در تصمیم‌گیری پیرامون مسئله تقسیم سود باید پیامدهای آن را در نظر داشته باشند، به همین دلیل بسیاری از شرکت‌ها در تصمیمات تقسیم سود خود از برنامه و هدف معینی پیروی می‌نمایند. اما بی‌تردید در زمان اجرای تصمیمات تقسیم سود، مدیران شرکت‌ها محدودیت‌هایی نظیر کمبود نقدینگی، ملاحظات مالیاتی و ... مواجه می‌گردند که به دنبال آن ناگزیر می‌شوند تصمیم خود را تعدیل کنند و در دوره‌های زمانی آینده هدف و برنامه

تقسیم سود خود را مجدداً پیگیری نمایند (مهرانی و تالانه، ۱۳۷۷). در نتیجه سود تقسیمی شرکت‌ها از مواردی است که تحت تأثیر تضادهای نمایندگی قرار دارد (جهانخانی و قربانی، ۱۳۸۴). با توجه به مقوله جدایی مالکیت از مدیریت و همچنین تئوری‌های مطرح شده مرتبط به آن از قبیل تئوری نمایندگی نیاز به رسیدگی و حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌ها کاملاً ضروری به نظر می‌رسد (حساس‌یگانه، ۱۳۹۰). همچنین ملاک تقسیم سود در ایران، پیشنهاد هیأت مدیره است که بر مبنای سود هر سهم گزارش شده در صورت‌های مالی انجام می‌شود. از طرف دیگر، سود با توجه به بندهای شرط گزارش حسابرس می‌تواند با نظر حسابرس متفاوت باشد (لاوسون و وانگ، ۲۰۱۴).

با عنایت به مراتب فوق، می‌توان گفت که در بسیاری از شرکت‌ها، مجمع براساس سود گزارش شده شرکت اقدام به تعیین و تصویب درصد سودنقدی جهت توزیع بین صاحبان سهام می‌نماید. در حالی که به نظر می‌رسد، به نظرات حسابرس که در بندهای تعدیل گزارش حسابرسی منعکس شده است، توجه کافی نمی‌شود. لذا انتظار می‌رود با انجام تحقیق حاضر بتوان به این سؤال پاسخ داد که آیا سود مورد نظر شرکت که در صورت‌های مالی منعکس شده است، با در نظر گرفتن اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل، قدرت توضیح‌دهندگی کافی در تقسیم سود نقدی دارد یا خیر؟. از سوی دیگر با توجه به اینکه بخشی از سود به دلایل مختلف از جمله وضعیت نقدینگی شرکت به صورت مطالبات حال شده به سال‌های بعد منتقل می‌شود، تحقیق حاضر می‌تواند به بخشی از چالش مذکور بپردازد.

مبانی نظری

سود هر سهم و سود تقسیمی

به‌طور کلی رابطه بین سود تقسیمی و سود هر سهم، نشان دهنده سیاست تقسیم سود شرکت است. سیاست تقسیم سود از عوامل مؤثر بر ارزش شرکت است. کشف و شناسایی دقیق عوامل اثرگذار بر سیاست تقسیم سود می‌تواند برای مدیران شرکت‌ها و سهامداران مفید واقع شود. سیاست تقسیم سود بین سهامداران، تداوم فعالیت شرکت را امکان‌پذیر و حداکثر نمودن ثروت سهامداران را ممکن می‌سازد (ایزدی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). سود خالص مبنای محاسبه سود هر سهم و سود تقسیمی است. اما از یک طرف سود خالص معمولاً متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است و امکان دستکاری سود توسط مدیریت وجود دارد. در چنین حالتی انتظار می‌رود، مدیران جهت پرداخت سود نقدی مورد انتظار سرمایه‌گذاران و جلوگیری از عکس‌العمل منفی بازار از حق انتخاب‌های حسابداری استفاده کرده و سود شرکت را آن‌گونه که می‌خواهند نمایش

دهند. به عبارتی کیفیت سود شرکت و در نتیجه سود نقدی، تحت تأثیر گزارشگری و صلاح دید مدیران قرار می‌گیرد (مرادی و همکاران، ۱۳۸۹). از سوی دیگر با جدایی مدیریت از مالکیت، مدیران به عنوان نماینده مالکان شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد؛ بدان معنا که ممکن است مدیران در زمینه تقسیم سود نقدی، دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیماتی بگیرند که در جهت منافع آن‌ها و عکس منافع سهامداران باشد. بنابراین می‌توان اظهار داشت که سیاست تقسیم سود و هزینه‌های نمایندگی رابطه مثبتی با هم دارند (جهانخانی و قربانی، ۱۳۸۴).

گزارش حسابرس مستقل

هدف حسابرسی در چارچوب فرآیند آزمون محور، زدودن آلودگی‌های اطلاعات است تا از طریق افزایش توان اتکای آن بستری مساعد برای استفاده از اطلاعات در راستای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم شود. محصول نهایی این فرآیند گزارشی است که حسابرس در آن، نظر حرفه‌ای خود را در مورد مطلوب بودن صورت‌های مالی ارائه می‌کند (نیکخواه‌آزاد، ۱۳۷۷). اظهار نظر در حسابرسی به مجموع قضاوت حرفه‌ای، تصمیم‌گیری‌ها و توجیه‌های حسابرس به صورت فشرده به عنوان یک نظر کارشناسی و حرفه‌ای حسابرس گفته می‌شود (حساس‌یگانه، ۱۳۸۵). استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰ بیان می‌کند که حسابرس باید درباره اینکه آیا صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب تهیه شده است یا خیر، اظهار نظر کند. حسابرس زمانی باید اظهار نظر تعدیل نشده ارائه کند که بر اساس نتیجه‌گیری او صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب تهیه شده است. ولی در موارد وجود ابهام اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود موارد متعدد ابهام با اهمیت یا اساسی که آثار بالقوه آن در مجموع با اهمیت یا اساسی باشد حسابرس باید نظر مشروط یا مردود ارائه کند.

سود هر سهم و سود تقسیمی و گزارش سابرسی

سود تقسیمی شرکت‌ها از مواردی است که تحت تأثیر تضادهای نمایندگی قرار دارد. به همین دلیل سیاست تقسیم سود شرکت‌ها برای بازار سهام، دارای محتوای اطلاعاتی است و میزان سود سهام پیشنهادی توسط هیأت مدیره می‌تواند حاوی اطلاعاتی در خصوص انتظارات مدیران در مورد سودآوری آینده شرکت باشد (جهانخانی و قربانی، ۱۳۸۴). همچنین، بر طبق تئوری نمایندگی، یکی از مهم‌ترین دلایل وجود حسابرسی، تضاد منافع بین مالکان و مدیران است. به

همین جهت، همواره سهامداران برای نظارت بیش‌تر و اطمینان از ایفای نقش نمایندگی مدیران، متقاضی حسابرسی بوده‌اند. حسابرسان نیز با بررسی صورت‌های مالی، به سهامداران اطمینان نسبی می‌دهند که صورت‌های مالی مطابق با استانداردهای حسابداری بوده و افشای لازم و با کیفیت صورت گرفته است. هر چه نظارت حسابرس قوی‌تر باشد، کیفیت حسابرسی بالاتر بوده و در نتیجه، افزایش کیفیت گزارشگری مالی را به همراه خواهد داشت (ریچلد و وانگ، ۲۰۱۰). نقش حسابرسان در کاهش تضاد منافع از این مورد ناشی می‌شود که حسابرسان به طور مستقل صورت‌های مالی را بررسی می‌کنند. یک مؤسسه حسابرسی مستقل و با مهارت، قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام نادرست صورت‌های مالی مورد رسیدگی بوده و می‌تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحب‌کار خود تأثیرگذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی که در قالب صورت‌های مالی گزارش می‌شوند، قابل اتکا باشند (مجتهدزاده، آقایی، ۱۳۸۳).

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی نویسندگان، در گزارش حسابرس مستقل شرکت‌های بورسی اغلب کشورهای پیشرفته (برخلاف گزارش حسابرسی در ایران)، در مبانی اظهار نظر حسابرس معمولاً اشکالات ناشی از تحریف صورت‌های مالی که منجر به ارائه بیش‌تر یا کم‌تر از واقع سود و زیان شده‌باشد، وجود نداشته باشد. این در حالی است که در ایران و بسیاری از شرکت‌ها علی‌رغم انعکاس اشکالات مربوط به تحریف در صورت‌های مالی، مجامع در اتخاذ سیاست سود نقدی توجهی به آن‌ها ندارند که به‌نظر می‌رسد با توجه به وضعیت تأمین مالی یکی از مسائلی است که در کشور ما بیش‌تر صدق می‌نماید. با این توضیح در این قسمت، مطالعات نزدیک به تحقیق در دو بخش مطالعات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- اسبیجتاس (۲۰۱۴) در یک مقاله در مقابل نظریه مودگلیانی بیان کرده است که ارزش شرکت به سیاست پرداخت سود سهام بستگی دارد. تجزیه و تحلیل ایشان نشان می‌دهد که شرکت‌های با سود پرداختی ثابت با ارزش‌تر هستند. همچنین در این مقاله بیان شده است که میان سود سهام پرداختی و عملکرد آتی شرکت ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد.
- لاوسون و وانگ (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان " آیا سود تقسیمی شرکت‌ها، حسابرسان را نسبت به کیفیت سود صاحبکار آگاه می‌سازد؟" نشان دادند تقسیم سود نقدی با ارزیابی حسابرسان از نتایج حسابرسی آنان و دستکاری سود، رابطه معناداری دارد. همچنین، آنان نشان دادند که تقسیم سود نقدی به میزان بیش‌تر بیانگر اطمینان بیش‌تر حسابرسان مذکور نسبت به عدم مدیریت سود (عدم وجود بندهای تعدیلی سود با اهمیت مثبت و منفی) می‌باشد.

- کاسکی و هالون (۲۰۱۳) در تحقیق خود تحت عنوان سیاست تقسیم سود تحت تأثیر تقلب حسابداری، نشان دادند که چنانچه صاحبکار حسابرسی در مورد پرداخت سود به دنبال تقلب، اشتباه یا هموار سازی سود باشند، این کار به پیام هاب مناسبی پیرامون اهداف مدیریت در دستکاری سود می‌دهد. همچنین به این نتیجه رسیدند. هنگامی که مخاطره دستکاری سود به میزان با اهمیتی وجود داشته باشد، حسابرسان احتمال گمراه کننده بودن صورتهای مالی را بالاتر ارزیابی می‌کنند.
- سیپاریدو و اسپاتیس (۲۰۱۲) طی یک تحقیق تحت عنوان "مدیریت سود و نقش حسابرسان در یک زمینه غیرعادی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی"، مطالعه موردی یونان" در این مقاله بیان شده‌است که هدف از تصویب اجباری، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در تاریخ ۲۰۰۵ به منظور بهبود کیفیت گزارشگری مالی در یونان که به طور منظم نسبت به مدیریت سود و ناکارآمدی حسابرسان انتقاد شده بود، با این حال شرایط غیرنرمال اقتصادی در یونان تلاش ما را برای به چالش کشیدن شرایط بیش‌تر می‌کند. برای بررسی نقش حسابرسان در رفتار فرصت‌طلبانه مدیران بعد از تصویب استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، رابط بین مدیریت که به وسیله ارقام تعهدی اختیاری اندازه‌گیری شده و گزارش حسابرسی که به وسیله اندازه شرکت حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرسان آزموده شده است. با استفاده از یک نمونه از شرکت‌های ذکر شده در بورس بهادار آتن در یک دوره بیش از ۵ ساله، در می‌یابیم که اندازه شرکت حسابرسی تأثیری ندارد و اظهار نظر حسابرسان پاسخ مناسبی در مقابل علت رفتار فرصت‌طلبانه مدیران نمی‌باشد.
- دنیس و جف (۲۰۱۱) در مقاله خود تحت عنوان "کیفیت حسابرسی و ارقام تعهدی، شواهد قبل و بعد از قانون سایبری نخست این موضوع را بررسی کردند که آیا کیفیت ارقام تعهدی، که به وسیله تداوم ارقام تعهدی سنجیده شده است، پس از دوره اجرای قانون ساربنیز آکسلی رشد یافته است و سپس این موضوع را بررسی کردند که درجه رشد در تداوم ارقام تعهدی مربوط به این قانون که در میان شرکت‌ها متفاوت است، وابسته به درجه استقلال حسابرسان است. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که تداوم ارقام تعهدی به میزان قابل توجهی در دوره بعد از اجرای قانون افزایش یافته‌است. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در دوره بعد از اجرای قانون، نمونه‌ای از شرکت‌هایی که به وسیله حسابرسان ۴ مؤسسه بزرگ با استقلال پایین حسابرسی شده‌اند رشد زیادی در تداوم ارقام تعهدی تجربه کرده‌اند.

- لاوسن و وانگ (۲۰۱۱) در تحقیق خود که به آزمون نقش نظارت حسابرسی در سیاست تقسیم سود شرکت‌ها پرداخته‌اند، دریافته‌اند که مکانیزم حسابرسی مستقل، رابطه منفی با احتمال پرداخت سود نقدی و همچنین نسبت پرداخت سود تقسیمی در بین سهامداران دارد. آنان همچنین بیان کردند که نقش نظارتی حسابرسی مستقل می‌تواند به عنوان مکانیزم حاکمیت شرکتی جایگزین در کاهش هزینه‌های نمایندگی محسوب شود.
- اسکینر و سولتز (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "سیاست تقسیم سود چه اطلاعاتی در مورد کیفیت سود می‌دهد" که جامعه آماری آن‌ها متشکل از شرکت‌هایی در بین سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۷۴ بود، دریافته‌اند که شرکت‌های پرداخت کننده سود سهام در مقایسه با شرکت‌هایی که سود پرداخت نمی‌کنند، پایداری سود بالاتری دارند. اسکینر و سولتز فرضیات تحقیق خود را بر مبنای پایداری سود به کار رفته در تحقیق میلر و راک پایه‌گذاری کرده و استدلال نمودند که سود تقسیمی، اعتبار سود گزارش شده را افزایش خواهد داد. پیری و حسین‌پور (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی رابطه اثر بندهای تعدلی گزارش حسابرس مستقل بر سیاست تقسیم سود پرداختند. در این بررسی که اطلاعات واقعی ۹۹ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۰ مورد استفاده قرار گرفت، دریافته‌اند که سود هر سهم مورد نظر حسابرس نسبت به سود هر سهم مورد نظر مدیریت در تقسیم سود نقدی از قدرت توضیح‌دهندگی بیش‌تری برخوردار است.
- خدادادی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با بررسی نقش نظارتی حسابرس و سیاست تقسیم سود به این نتیجه رسیدند که اندازه مؤسسه حسابرسی ارتباط مثبت و معنادار با سیاست تقسیم سود شرکت دارد، ولی میزان حق الزحمه حسابرس مستقل ارتباط معنادار با آن ندارد.
- حدادی و منصوری (۱۳۹۱) در یک تحقیق با عنوان "بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی" که هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین مدیریت سود و دوره تصدی‌گری حسابرس (دوره تداوم حسابرس)، و بین مدیریت سود و تجربه حسابرسی نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- نمازی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به نام "بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" می‌باشد. این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حالت کلی یک رابطه مثبت و ضعیف بین معیارهای اندازه حسابرس (حسن شهرت حسابرس) و دوره تصدی حسابرس و مدیریت

سود وجود دارد، ولی این رابطه از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد. به دلیل وجود مشکل همخطی در مدل کلی، رابطه بین متغیرها به صورت جداگانه بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و اندازه حسابرس، یک رابطه مثبت ولی غیر معنی‌دار و همچنین بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرس رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. در این پژوهش برای تعیین معنی‌داری کل مدل رگرسیونی از آماره ضریب تعیین مک فادن و آماره نسبت درست‌نمایی استفاده شده است.

- سجادی و عربی (۱۳۸۹) در مقاله خود تحت عنوان "تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود" با هدف بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که یکی از راه‌های کاهش مدیریت سود ارتقای سطح کیفیت حسابرسی است زیرا شرکت‌هایی که سود را دستکاری می‌کنند بیش‌تر مستعد این هستند که گزارش حسابرسی تعدیل شده (غیرمقبول) داشته‌باشند و نهایتاً اینکه کیفیت حسابرسی میزان اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

- مرادی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "کیفیت سود و سیاست توزیع سود نقدی (شواهدی از بورس اوراق بهادار ایران)" که در این مطالعه، ارتباط میان کیفیت سود و سیاست‌های تقسیم سود نقدی در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در صورت سنجش کیفیت سود بر مبنای تغییر در اقلام تعهدی اختیاری، ارتباط معکوس و معنادار ضعیفی میان کیفیت سود و پرداخت مبالغ بیش‌تر سود نقدی وجود دارد. همچنین در صورتی که کیفیت سود بر مبنای نزدیکی سود به جریان‌های نقدی عملیاتی سنجیده شود، ارتباط مثبت و معنادار نسبتاً قوی میان کیفیت سود و احتمال افزایش سود نقدی مشاهده می‌شود. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که تغییر در کیفیت سود شرکت، حاوی اطلاعاتی در خصوص احتمال تغییر در سود نقدی است و مدیران شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به جریان‌های نقدی شرکت و عکس‌العمل بازار توجه خاص دارند و به ثبات عملکردی در رفتار سرمایه‌گذاران معتقدند.

- سعیدی و بهنام (۱۳۸۸) در مقاله خود تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر خطامشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" برای بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر پرداخت سود نقدی ابتدا متغیرها بر اساس تحقیقات پیشین تعیین و سپس اطلاعات لازم برای ۹۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک دوره هفت ساله (۱۳۸۰ الی ۱۳۸۶) به صورت داده‌های پنل گردآوری گردید. در این تحقیق یازده عامل مورد مطالعه قرار گرفتند. این متغیرها شامل: اهرم شرکت، اندازه شرکت، سود تقسیمی سال گذشته،

وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت، سود مورد انتظار سال آتی، متوسط سود پرداختی شرکت‌های رقیب، نرخ تورم، درصد سهام شناور آزاد، متوسط نرخ رشد سود پنج سال گذشته و سود هر سهم شرکت بودند که از میان آن‌ها معناداری ارتباط عوامل: اندازه شرکت، سود تقسیمی در سال گذشته، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، سود مورد انتظار سال آتی و نرخ تورم تأیید شد و معناداری ارتباط متغیرهای دیگر شامل: متوسط نرخ رشد سود ۵ سال گذشته، درصد سهام شناور آزاد، گردش وجوه نقد حاصل از عملیات، نسبت اهرم شرکت، سود هر سهم و متوسط درصد سود پرداختی شرکت‌های رقیب، مورد تأیید قرار نگرفت.

• بهرام‌فر و مهرانی (۱۳۸۳) در تحقیق خود بیان کردند که بین سود هر سهم، سود تقسیمی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که فرصت سرمایه‌گذاری مطلوب دارند، باید سود کم‌تری توزیع کنند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به دنبال بررسی قدرت توضیح‌دهندگی سود هر سهم شرکت با تأکید بر اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل در تقسیم سود نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است، لذا روش تحقیق از نوع تجزیه تحلیل همبستگی است و با توجه به اینکه می‌تواند مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی قرار گیرد، نوع هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد بین بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. روش نمونه‌برداری در این پژوهش مبتنی بر روش غربالی (حذف براساس محدودیت‌های مطرح شده در تحقیق) است. بدین ترتیب شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا بودند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شده‌اند. نمونه انتخابی شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهد بود که شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱) تاریخ پذیرش شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران قبل از سال مالی ۱۳۸۲ باشد.
- ۲) شرکت‌هایی که معاملات آن‌ها در بورس اوراق بهادار دارای تداوم باشند و حذف نشده باشند.
- ۳) شرکت‌هایی که جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانکی نیستند.
- ۴) شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- ۵) شرکت‌هایی که دارای توقف معاملاتی بیش از شش ماه نباشند.
- ۶) بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ تغییر سال مالی نداشته باشند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۷۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ حائز شرایط فوق بوده و برای نمونه آماری انتخاب شدند.

فرضیات تحقیق

فرضیات تحقیق حاضر عبارتند از:

- فرضیه (۱): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد.
- فرضیه (۲): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد.
- فرضیه (۳): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر پرداخت سود نقدی اثری معنادار دارد.
- فرضیه (۴): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد.
- فرضیه (۵): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد.
- فرضیه (۶): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر سود نقدی مصوب مجمع اثری معنادار دارد.

مدل‌های آزمون فرضیات تحقیق

مدل رگرسیون مورد استفاده برای آزمون فرضیات فوق و متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ به صورت زیر بیان می‌شود:

$$DPSR = \alpha_1 + \alpha_2 EPS_{i,t} + \alpha_3 SIZE_{i,t} + \alpha_4 LEVERAGE_{i,t} + \alpha_5 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۱)

$$DPSR = \alpha_1 + \alpha_2 EPS_{i,t} + \alpha_3 ARE_{i,t} + \alpha_4 EPS_{i,t} ARE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 LEVERAGE_{i,t} + \alpha_7 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۲)

$$DPS = \alpha_1 + \alpha_2 EPS_{i,t} + \alpha_3 SIZE_{i,t} + \alpha_4 LEVERAGE_{i,t} + \alpha_5 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۳)

$$DPS = \alpha_1 + \alpha_2 EPS_{i,t} + \alpha_3 ARE_{i,t} + \alpha_4 EPS_{i,t} ARE_{i,t} + \alpha_5 SIZE_{i,t} + \alpha_6 LEVERAGE_{i,t} + \alpha_7 CASH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۴)

جدول ۱: تحقیق

متغیرهای مورد بررسی	نماد
سود هر سهم پرداختی واقعی	DPSR
سود تقسیمی هر سهم	DPS
سود هر سهم مورد نظر شرکت	EPS
اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس	ARE
اندازه شرکت	SIZE
اهرم مالی	LEVERAGE
میزان وجه نقد نگهداری شده	CASH

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق و نحوه محاسبه آنها

متغیر مستقل

عایدی هر سهم شرکت (EPS): عبارتست از نسبت سود خالص بعد از مالیات به میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت.

$$EPS = \frac{\text{سود خالص پس از کسر مالیات}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}}$$

متغیر تعدیل‌کننده

اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس (ARE): متغیر تعدیل‌گر متغیری است که جهت و شدت ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهد. متغیر تعدیل‌کننده در این تحقیق اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس می‌باشد که در این زمینه از صورت‌های مالی سازمان‌هایی استفاده می‌شود که دارای گزارش غیر استاندارد حسابرسی هستند، سپس با استفاده از تفاضل درآمدها و هزینه‌های تشخیصی حسابرس که در بندهای عدم توافق گزارش حسابرسی منعکس شده‌است، میزان اثرات را محاسبه کرده و مقادیر به دست آمده را بر میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت تقسیم می‌کنیم.

$$ARE = \frac{\text{تفاوت درآمدها و هزینه‌های بندهای تعدیلی گزارش حسابرسی}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}}$$

متغیر وابسته

سود تقسیمی هر سهم (DPS): عبارتست از نسبت سود تصویب شده جهت پرداخت به سهامداران به میانگین موزون تعداد سهام عادی شرکت.

$$DPS = \frac{\text{سود تصویب شده جهت پرداخت}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}}$$

سود هر سهم پرداختی پرداختی (DPSR): برای محاسبه این متغیر از صورت جریان وجوه نقد، سود سهام پرداختی که شرکت واقعاً طی سال مالی به سهامداران پرداخت کرده است، استخراج می‌کنیم و تقسیم بر میانگین موزون تعداد سهام می‌کنیم تا مقدار سود واقعاً پرداختی هر سهم طی سال مالی محاسبه شود.

$$DPSR = \frac{\text{سود سهام پرداختی}}{\text{میانگین موزون تعداد سهام شرکت}}$$

متغیر کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): یکی از عواملی که در ریسک پرداخت سود تقسیمی و همچنین کسب سود سرمایه‌ای مورد نظر است، اندازه شرکت می‌باشد. اندازه شرکت به وسیله شاخص‌های مختلفی مشخص می‌شود، از جمله این شاخص‌ها می‌توان به ارزش کل دارایی‌ها، میزان فروش، ارزش بازار سهام و ... اشاره کرد. در این تحقیق منظور از ارزش شرکت، ارزش بازار سهام است. از آنجایی که ارزش بازار سهام، نسبت به سایر متغیرهای این تحقیق عدد بزرگی است، جهت استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها از لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام استفاده شده است (بهنام و سعیدی، ۱۳۸۹).

$$SIZE = \text{LOG} (\text{قیمت سهام} \times \text{تعداد سهام})$$

نسبت‌های اهرمی (LEVERAGE): در پژوهش حاضر برای محاسبه اهرم مالی شرکت‌ها از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده می‌گردد

$$LEVERAGE = \frac{\text{مجموع بدهی‌ها}}{\text{مجموع دارایی‌ها}}$$

میزان وجه نقد نگهداری شده (CASH): در این تحقیق منظور از میزان نقد نگهداری شده، وجه نقد پایان سال شرکت است. از آنجایی که وجه نقد نسبت به سایر متغیرهای این تحقیق عدد بزرگی است، جهت استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها لگاریتم وجه نقد استفاده شده است.

$$CASH = \text{LOG} (\text{معدل میزان نقد آخر سال در ترازنامه})$$

بررسی ایستایی متغیرها

برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون ریشه واحد از نوع لین، لیون و چاو، دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون استفاده شده است. با توجه به سطح معنی‌داری هر یک از این آزمون‌ها، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت متغیرهای مستقل، تعدیلی و کنترلی طی دوره پژوهش پایا هستند. زیرا، حداقل دو آزمون از سه آزمون انجام شده، مانایی متغیرها را تأیید می‌کند که نتایج آزمون مانایی در جدول ۳ درج گردیده است. با مانا بودن متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های طراحی شده برای فرضیه‌ها دارای مشکل رگرسیون کاذب نخواهند بود.

جدول ۳: آزمون مانایی متغیرهای تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪

متغیر	آزمون لیون، لین و		فیلیپس پرون		دیکی فولر		نتیجه
	آماره (f)	احتمال	آماره (f)	احتمال	آماره (f)	احتمال	
سود تقسیمی هر سهم	-۲۲/۵۵	۰/۰۰۰	۳۸۸/۳	۰/۰۰۰	۲۴۳/۲	۰/۰۰۰	ماناست
سود هر سهم پرداختی واقعی	-۱۱۳/۶	۰/۰۰۰	۵۰۴/۶	۰/۰۰۰	۳۷۴/۷	۰/۰۰۰	ماناست
سود هر سهم	-۱۶/۶۲	۰/۰۰۰	۳۱۵/۰۷	۰/۰۰۰	۲۱۰/۵	۰/۰۰۰	ماناست
بندهای تعدیلی گزارش حسابرس	-۶/۷۸	۰/۰۰۰	۱۵۴/۰۹	۰/۰۰۰	۹۰/۷۷	۰/۰۰۱	ماناست
اندازه شرکت	-۶/۲	۰/۰۰۰	۲/۵	۰/۰۰۰	۱۴۶/۷	۰/۳۳	ماناست
اهرم مالی	-۶/۹۳	۰/۰۰۰	۳۶۷/۳۱	۰/۰۰۰	۱۷۰/۲	۰/۰۴	ماناست
وجه نقد نگهداری شده	-۱۲	۰/۰۰۰	۳۹۷/۱۳	۰/۰۰۰	۲۳۰/۷	۰/۰۰۰	ماناست

آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خودهمبستگی فرضیه‌های تحقیق

جدول ۴ وجود ناهمسانی واریانس را برای کلیه فرضیات تحقیق، تأیید می‌کند. همچنین نتایج جدول حاکی از آن است که فرضیات یک، دو و سه مشکل خودهمبستگی ندارند. برای مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) استفاده کرده‌ایم و جهت رفع خودهمبستگی بین متغیرها، از پارامتر $AR(1)$ (برای مدل دارای اثرات ثابت (Fix))، استفاده شده است (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول ۴: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خودهمبستگی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها	آزمون ناهمسانی		آزمون خودهمبستگی	
	احتمال	ناهمسانی	احتمال	خودهمبستگی
فرضیه (۱)	۰/۰۰۰	دارد	۰/۴	ندارد
فرضیه (۲) و (۳)	۰/۰۰۰	دارد	۰/۴۱	ندارد
فرضیه (۴)	۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۱	دارد
فرضیه (۵) و (۶)	۰/۰۰۰	دارد	۰/۰۰۰۴	دارد

آزمون فرضیه‌های پژوهش

انتخاب الگوی مناسب برای مدل‌های رگرسیون

در این بخش به آزمون فرضیه‌ها در قالب آمار توصیفی و مدل رگرسیونی پرداخته شده است. همچنین برای تشخیص انتخاب بین تلفیقی یا تابلویی بودن مدل تحقیق از آزمون f لیمر استفاده کرده‌ایم، سپس برای تعیین و انتخاب یکی از دو الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵: نتایج آزمون f لیمر و هاسمن

فرضیه‌ها	آزمون f لیمر		آزمون هاسمن	
	احتمال	نتایج آزمون f لیمر	احتمال	نتایج آزمون هاسمن
فرضیه (۱)	۰/۰۱	تابلویی	۰/۰۵	اثرات ثابت
فرضیه (۲) و (۳)	۰/۰۱	تابلویی	۰/۱۳	اثرات تصادفی
فرضیه (۴)	۰/۰۰۰	تابلویی	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
فرضیه (۵) و (۶)	۰/۰۰۰	تابلویی	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

آزمون فرضیه اول تحقیق

فرضیه (۱): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد. نتایج حاصل از فرضیه اول بدون در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل) در جدول ۶ آمده است. با توجه به نتایج جداول ۵ و ۴ فرضیه اول تحقیق دارای مشکل ناهمسانی است. به عبارتی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمینی (EGLS) برای برطرف کردن مشکل ناهمسانی استفاده شده است. از طرفی مدل مذکور مشکل خودهمبستگی ندارد. همچنین نتایج مربوط به آماره f با احتمال (۰/۰۰۰) بیانگر این است که مدل فوق در حالت کلی از نظر آماری معنی‌دار است و مدل تحقیق می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد و با توجه به آماره دوربین واتسون (۱/۸) مشکل خود همبستگی نیز وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که در کل دوره پژوهش حدود (۰/۴۴) از تغییرات متغیر وابسته (سود هر سهم پرداختی واقعی) به وسیله متغیر مستقل (سود هر سهم مورد نظر شرکت) توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر حدود (۰/۴۴) از تغییرات سود پرداختی تحت تأثیر سود هر سهم مورد نظر شرکت است.

نتایج نشان می‌دهد که سود هر سهم مورد نظر شرکت بر اساس ضریب رگرسیونی $(-۰/۰۳)$ اثری منفی بر سود هر سهم پرداختی واقعی دارد. با توجه به اینکه آماره t برای سود هر سهم شرکت $(-۱/۰۷)$ می‌باشد و احتمال این آماره بیش‌تر از سطح ۵ درصد است، می‌توان گفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم اثرگذاری سود هر سهم مورد نظر شرکت بر سود هر سهم پرداختی واقعی تأیید شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد سود هر سهم مورد نظر شرکت بر سود هر سهم پرداختی واقعی اثرگذار نیست.

جدول ۶: نتایج آزمون مدل تحقیق

الگوی اثرات ثابت		متغیر وابسته: سود هر سهم پرداختی واقعی	
متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال
سود هر سهم	-۰/۰۳	-۱/۰۷	۰/۲۸
اهرم مالی	-۰/۱۹	-۰/۵۸	۰/۵۵
اندازه شرکت	-۲۳۹/۵۴	-۴/۳۶	۰/۰۰۰
میزان وجه نقد نگهداری شده	۱۰/۶۲	۱/۲۴	۰/۲۱
f احتمال = ۰/۰۰۰ f آماره = ۸/۷۱ t ضریب تعیین = ۰/۵۰ R^2 ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۴۴ F آماره دوربین واتسون = ۱/۸۰			

آزمون فرضیه‌های دوم و سوم تحقیق

فرضیه (۲): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد.
 فرضیه (۳): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر پرداخت سود نقدی اثری معنادار دارد.
 نتایج حاصل از فرضیه دو و سه در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل‌کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل) در جدول ۷ آمده است.
 با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ فرضیه‌های (۲) و (۳)، تحقیق دارای مشکل ناهمسانی است. به عبارتی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمینی (EGLS) برای برطرف کردن مشکل ناهمسانی استفاده شده است.

همچنین مدل مذکور مشکل خودهمبستگی ندارد.

نتایج مربوط به آماره f با احتمال (۰/۰۳) بیانگر این است که مدل فوق در حالت کلی از نظر آماری معنی‌دار است و مدل تحقیق می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد و با توجه به آماره دوربین واتسون (۲/۰۸) مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که در کل دوره پژوهش حدود (۰/۰۱) از تغییرات متغیر وابسته (سود هر سهم پرداختی واقعی) به وسیله متغیر مستقل (سود هر سهم مورد نظر شرکت) و تعدیل‌کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس) توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر حدود (۰/۰۱) از تغییرات سود واقعاً پرداختی تحت تأثیر سود هر سهم مورد نظر شرکت و اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس است.

نتایج نشان می‌دهد که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر اساس ضریب رگرسیونی (۰/۵۳)، اثری مثبت بر سود هر سهم پرداختی واقعی دارد. با توجه به اینکه آماره t برای اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس (۱/۸۳) می‌باشد و احتمال این آماره بیش‌تر از سطح ۵ درصد است، می‌توان گفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم اثرگذاری بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر سود هر سهم پرداختی واقعی پذیرفته شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر سود هر سهم پرداختی واقعی اثرگذار نیست.

همچنین نتایج بیانگر آنست که سود هر سهم مورد نظر شرکت بر سود هر سهم پرداختی واقعی، با اثری که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده می‌گذارد بر اساس ضریب رگرسیونی (۰/۰۰۰۸-)، منفیاست و با توجه به اینکه آماره t برای عامل اثر تعدیل‌کننده در رابطه بین سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود هر سهم پرداختی واقعی برابر (۳/۳۸-) می‌باشد و احتمال این آماره کم‌تر از سطح اطمینان ۵ درصد است، می‌توان گفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم اثرگذاری متغیر تعدیل‌کننده اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس در رابطه بین سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود هر سهم پرداختی واقعی رد شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس به عنوان متغیر تعدیل‌کننده بر رابطه سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود هر سهم پرداختی واقعی اثرگذار است.

جدول ۷: نتایج آزمون مدل تحقیق

الگوی اثرات تصادفی		متغیر وابسته: سود هر سهم پرداختی واقعی	
متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال
اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل	۰/۵۳	۱/۸۳	۰/۰۶
سود هر سهم در اثرات بندهای تعدیلی گزارش	-۰/۰۰۰۸	-۳/۳۸	۰/۰۰۰۸
سود هر سهم	-۰/۰۸	-۱/۳۴	۰/۱۷
اهرم مالی	-۰/۲۱	-۰/۴۶	۰/۶۴
اندازه شرکت	-۴۳۱/۸۹	-۲/۲۵	۰/۰۲
میزان وجه نقد نگهداری شده	۶۱/۱۸	۱/۵۶	۰/۱۱
f احتمال = ۰/۰۳۲۴۹ f آماره = ۲/۳۰۸ ضریب تعیین = ۰/۰۱ f ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۰۱۱ آماره دوربین واتسون = ۲/۰۸			

آزمون فرضیه چهارم تحقیق

فرضیه (۴): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد. نتایج حاصل از فرضیه چهارم بدون در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل) در جدول ۸ آمده است. با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ فرضیه چهارم تحقیق دارای مشکل ناهمسانی است. به عبارتی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) برای برطرف کردن مشکل ناهمسانی استفاده شده است. از طرفی چون مدل مذکور مشکل خودهمبستگی دارد، از پارامتر $AR(1)$ نیز استفاده شده است.

همچنین نتایج مربوط به آماره f با احتمال (۰/۰۰۰) بیانگر این است که مدل فوق در حالت کلی از نظر آماری معنی دار است و مدل تحقیق می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد و با توجه به آماره دوربین واتسون (۲/۰۴) مشکل خودهمبستگی هم برطرف شده است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر آن است که در کل دوره پژوهش حدود (۰/۸۵) از تغییرات متغیر وابسته (سود تقسیمی هر سهم) به وسیله متغیر مستقل (سود هر سهم مورد نظر شرکت) توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر حدود (۰/۸۵) از تغییرات سود تقسیمی هر سهم تحت تأثیر

سود هر سهم مورد نظر شرکت است. نتایج نشان می‌دهد که سود هر سهم مورد نظر شرکت بر اساس ضریب رگرسیونی (۰/۳۸)، اثری مثبت بر سود تقسیمی هر سهم دارد. با توجه به اینکه آماره t برای سود هر سهم مورد نظر شرکت (۴/۹۴) می‌باشد و احتمال این آماره کم‌تر از سطح ۵ درصد است، می‌توان گفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم اثرگذاری سود هر سهم مورد نظر شرکت بر سود تقسیمی هر سهم رد شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد سود هر سهم شرکت بر سود تقسیمی هر سهم اثرگذار است.

جدول ۸: نتایج آزمون مدل تحقیق

الگوی اثرات ثابت		متغیر وابسته: سود تقسیمی هر سهم	
متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال
سود هر سهم	۰/۳۸	۴/۹۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۳	-۰/۱۷	۰/۸۶
اندازه شرکت	۱۹۳/۵۳	۴/۸۹	۰/۰۰۰
میزان وجه نقد نگهداری شده	-۴/۸۳	-۱/۸۵	۰/۰۶
AR(1)	۰/۲۳	۴/۳۳	۰/۰۰۰
f احتمال = ۰/۰۰۰ f آماره = ۵۱/۶۱ ضریب تعیین = ۰/۸۷ ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۸۵ آماره دوربین واتسون = ۲/۰۴			

آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم تحقیق

فرضیه (۵): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد.

فرضیه (۶): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر سود نقدی مصوب مجمع اثری معنادار دارد.

نتایج حاصل از فرضیه‌های پنج و شش با در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل‌کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل) در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹: نتایج آزمون مدل تحقیق

الگوی با اثرات ثابت		متغیر وابسته: سود تقسیمی هر سهم	
متغیر	ضرایب	آماره t	احتمال
اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل	۰/۱۳	۱/۲۷	۰/۲
سود هر سهم در اثرات بندهای تعدیلی گزارش	۰۵E--۹/۶۸	-۰/۶۳	۰/۵۲
سود هر سهم	۰/۳۷	۴/۷۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۲۶	-۰/۱۳	۰/۸۸
اندازه شرکت	۱۸۵/۷۹	۴/۶	۰/۰۰۰
میزان وجه نقد نگهداری شده	-۴/۲۸	-۱/۵۹	۰/۱۱
AR(1)	۰/۲۴	۲۴/۴	۰/۰۰۰
f احتمال = ۰/۰۰۰ f آماره = ۵۰/۰۸ ضریب تعیین = ۰/۸۷ ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۸۵ آماره دورین واتسون = ۲/۰۴			

با توجه به نتایج جداول ۴ و ۵ فرضیه‌های پنج و شش، تحقیق دارای مشکل ناهمسانی است. به عبارتی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمینی (EGLS) برای برطرف کردن مشکل ناهمسانی استفاده شده است. از طرفی چون مدل مذکور مشکل خودهمبستگی دارد، از پارامتر AR(1) نیز استفاده شده است. همچنین نتایج مربوط به آماره f با احتمال (۰/۰۰۰) بیانگر این است که مدل فوق در حالت کلی از نظر آماری معنی‌دار است و مدل تحقیق می‌تواند ارتباط بین متغیرهای مورد نظر را توضیح دهد و با توجه به آماره دورین واتسون (۲/۰۴) مشکل خودهمبستگی برطرف شده است. ضریب تعیین تعدیل‌شده بیانگر آن است که در کل دوره پژوهش حدود (۰/۸۵) از تغییرات متغیر وابسته (سود تقسیمی هر سهم) به وسیله متغیر مستقل (سود هر سهم مورد نظر شرکت) و متغیر تعدیل‌کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس) توضیح داده می‌شود. به عبارت دیگر حدود (۰/۸۵) از تغییرات سود تقسیمی هر سهم تحت تأثیر سود هر سهم مورد نظر شرکت و اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس است.

نتایج نشان می‌دهد که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر اساس ضریب رگرسیونی (۰/۱۳)، اثری مثبت بر سود تقسیمی هر سهم دارد. با توجه به اینکه آماره t برای اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس (۱/۲۷) می‌باشد و احتمال این آماره بیش‌تر از سطح ۵ درصد است،

می‌توان گفت که فرضیهٔ صفر مبنی بر عدم اثرگذاری بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر سود تقسیمی هر سهم پذیرفته شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر سود تقسیمی هر سهم اثرگذار نیست.

همچنین نتایج بیانگر آنست که سود هر سهم مورد نظر شرکت بر سود تقسیمی هر سهم با اثری که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده می‌گذارد، تأثیر منفی دارد و با توجه به اینکه آمارهٔ t برای عامل اثر تعدیل‌کننده در رابطهٔ بین سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود تقسیمی هر سهم برابر $(-۰/۰۶)$ می‌باشد و احتمال این آماره بیش‌تر از سطح اطمینان ۵ درصد است، می‌توان گفت که فرضیهٔ صفر مبنی بر عدم اثرگذاری متغیر تعدیل‌کننده بندهای تعدیلی گزارش حسابرس در رابطهٔ بین سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود تقسیمی هر سهم پذیرفته شده و با سطح اطمینان ۹۵ درصد بندهای تعدیلی گزارش حسابرس به عنوان متغیر تعدیل‌کننده بر رابطهٔ سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود تقسیمی هر سهم اثرگذار نیست.

خلاصه و نتیجه‌گیری نهایی

نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیهٔ (۱): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد. نتایج حاصل از فرضیهٔ اول بدون در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل‌کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس) حاکی از این است که: سود هر سهم شرکت بر سود هر سهم پرداختی واقعی دارای اثر معنادار نمی‌باشد. نتیجهٔ به دست آمده با نتایج فارینها و موریرا (۲۰۰۷) و مرادی، سیاح رزبانی و سیرانی (۱۳۸۹) مشابه است و مغایر بهرام‌فر و مهرانی (۱۳۸۳) و دنیس و کسکی و هنلان (۲۰۰۵)، مجتهدزاده، علوی و طبری (۱۳۸۸)، مهرانی و ذاکری (۱۳۸۸) است.

فرضیهٔ (۲): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر پرداخت سود نقدی دارد.

فرضیهٔ (۳): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر پرداخت سود نقدی اثری معنادار دارد.

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیات فوق، بندهای تعدیلی گزارش حسابرس اثری معنادار بر سود هر سهم پرداختی واقعی ندارد. در نتیجه فرضیهٔ دوم تحقیق حاضر رد می‌شود. براساس بررسی‌های انجام شده این نتایج تقریباً مشابه با نتایج لاوسن و وانگ (۲۰۱۱) می‌باشد.

همچنین این متغیر به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در رابطهٔ بین سود هر سهم شرکت و سود هر سهم پرداختی واقعی دارای یک اثر منفی و معنادار می‌باشد. در نتیجه فرضیهٔ سوم تأیید می‌شود.

با مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق، محقق نتوانسته است تحقیقی مشابه تحقیق حاضر بیابد زیرا این فرضیه کاملاً کاربردی و براساس داده‌های شرکت‌های بوردی کشور ایران می‌باشد و لذا امکان مقایسه نتایج نبوده است.

فرضیه (۴): سود هر سهم شرکت تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد. نتایج حاصل از فرضیه چهارم بدون در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس) حاکی از این است که، سود هر سهم مورد نظر شرکت تأثیری مثبت و معنادار بر سود تقسیمی هر سهم دارد. در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق تأیید می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج بهرام‌فر و مهرانی (۱۳۸۳) و دنیس و آلوبو (۲۰۰۸) مشابه و مغایر با نتایج سعیدی و بهنام (۱۳۸۸) می‌باشد.

فرضیه (۵): بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل تأثیر معناداری بر سود نقدی مصوب مجمع دارد.

فرضیه (۶): سود هر سهم شرکت با اثری که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل می‌گذارد، بر سود نقدی مصوب مجمع اثری معنادار دارد.

نتایج حاصل از فرضیه‌های پنج و شش با در نظر گرفتن اثرات متغیر تعدیل کننده (بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل) مبین این است که: اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس بر سود تقسیمی هر سهم معنادار نمی‌باشد و فرضیه پنج رد می‌شود. همچنین اثر این متغیر به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در رابطه بین سود هر سهم مورد نظر شرکت و سود تقسیمی هر سهم نیز معنادار نمی‌باشد. در نتیجه فرضیه ششم تحقیق حاضر نیز رد می‌شود. با مرور مبانی نظری و پیشینه تحقیق، محقق نتوانسته است تحقیقی مشابه تحقیق حاضر بیابد زیرا این فرضیه کاملاً کاربردی و براساس داده‌های شرکت‌های بوردی کشور ایران می‌باشد و لذا امکان مقایسه نتایج نبوده است.

نتیجه‌گیری نهایی

بر اساس مبانی نظری تحقیق بین سود هر سهم، سود تقسیمی هر سهم و سود هر سهم پرداختی واقعی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. لیکن نتایج تحقیق حاضر دال بر عدم اثر معنادار سود هر سهم بر پرداخت سود می‌باشد. این نتیجه نشان‌دهنده این است که سود هر سهم اثری بر تقسیم سود ندارد. به نظر می‌رسد دلیل این عدم تطابق به تصمیمات مدیریت در زمینه تقسیم سود و سرمایه‌گذاری مربوط است. که افزایش سرمایه از محل سودهای قابل توزیع بین سهامداران بهترین عامل می‌باشد تا سود طبق آنچه در مجامع شرکت‌های پذیرفته شده در

بورس و بر اساس سود هر سهم تصویب شده است، توزیع نشود و به دفعات در سال‌های بعد از محل مطالبات حال شده سهامداران به سهام سرمایه تبدیل شده یا با انباشت در سود انباشته به صورت سهام جایزه توزیع شود. در تأیید نتیجه فوق، خدادادی و قربانی در طی یک تحقیق دریافتند که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر آن بخش از سود که باید بین سهامداران توزیع کنند، کنترل بیش‌تری دارند تا بخش‌های دیگر که مربوط پرداخت تعهدات می‌باشد. پس براساس نتایج تحقیق و تحقیقات قبلی شاید بتوان عامل اصلی عدم اثر معنادار سود هر سهم و تقسیم سود را ناشی از این دانست که مدیریت هر آنچه را تصویب می‌شود، پرداخت نمی‌کند و افزایش سرمایه برای اثرگذار نبودن سود هر سهم بر توزیع سود دلیل مناسبی است. همچنین نشان می‌دهد که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل اثر منفی و معنادار بر رابطه بین سود هر سهم و توزیع سود دارد به این معنی که هر چه مبالغ و اثرات ریالی بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل بیش‌تر باشد، توزیع سود بین سهامداران کم‌تر است که این نتیجه منطقی به نظر می‌رسد. زیرا با مشاهده نتایج متوجه می‌شویم که بخش عمده‌ای از اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل مربوط به اثرات مالیات و شناسایی یا تفکیک نامناسب درآمدها و هزینه‌ها می‌باشد. پس عملاً رقم سود براساس بندهای تعدیلی گزارش حسابرس اغلب کم‌تر از مبلغی می‌شود که مدیریت در صورت‌های مالی گزارش کرده‌است در نتیجه رقم سود توزیع شده بین سهامداران نیز کاهش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل اثر منفی و معنادار بر رابطه بین سود هر سهم و توزیع سود دارد به این معنی که هر چه مبالغ و اثرات ریالی بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل بیش‌تر باشد، توزیع سود بین سهامداران کم‌تر است که این نتیجه منطقی به نظر می‌رسد. زیرا با مشاهده نتایج متوجه می‌شویم که بخش عمده‌ای از اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس مستقل مربوط به اثرات مالیات و شناسایی یا تفکیک نامناسب درآمدها و هزینه‌ها می‌باشد. پس عملاً رقم سود براساس بندهای تعدیلی گزارش حسابرس اغلب کم‌تر از مبلغی می‌شود که مدیریت در صورت‌های مالی گزارش کرده‌است در نتیجه رقم سود توزیع شده بین سهامداران نیز کاهش می‌یابد. همچنین از آنجایی که رابطه بین سود هر سهم و سود تصویری مجمع مثبت و معنادار بوده است. نهایتاً نتایج فرضیات پنجم و ششم بیانگر عدم اثر معنادار بندهای گزارش حسابرس مستقل در رابطه بین سود هر سهم و تصویب سود نقدی می‌باشد. که این خود نشان‌دهنده این است که بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل اثری بر رابطه سود هر سهم و تصویب سود ندارد. شاید بتوان این عدم تطابق را ناشی از جو روانی حاکم بر بازار سرمایه ایران و بر مجامع شرکت‌های پذیرفته شده دانست که سهامداران به سود نقدی و نه اثرات بندهای تعدیلی گزارش حسابرس توجه دارند

و سود ابرازی هیأت مدیره را معیار تصویب سود قرار می‌دهند. مدیران و سهامداران برای اینکه تصمیمات تقسیم سود اخبار مثبتی درباره وضعیت مالی شرکت به بازار بدهد و در زمان تصویب سعی می‌کنند سود بیش‌تری را جهت توزیع بین سهامداران تصویب کنند. به همین دلیل به گزارش حسابرس مستقل بی توجهند.

پیشنهادات تحقیق

۱. نمایندگان بورس که جهت تصویب سود تقسیمی در جلسات مجامع شرکت می‌نمایند به بندهای تعدیل گزارش حسابرس مستقل توجه بیش‌تری نمایند.
۲. نتایج تحقیق بر نقش حسابرسان در کاهش هزینه نمایندگی تأکید دارد که همین امر منجر به حفاظت منافع سهامداران و مدیران می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود سهامداران و مدیران به این مهم توجه ویژه داشته باشند.
۳. پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران جهت پیش‌بینی وضعیت تقسیم سود شرکت‌ها، به وضعیت سرمایه‌گذاری شرکت توجه کنند.

منابع

- ایزدی‌نیا، ن.، سلطانی، ا. و علینقیان، ن. (۱۳۸۹). "ارزیابی عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". *فصلنامه مطالعات حسابداری*، (۲۶)، ۱۳۹-۱۵۵.
- ایزدی‌نیا، ن. و علینقیان، ن. (۱۳۹۰). "شناسایی عوامل مؤثر بر سود تقسیمی با بکارگیری مدل لاجیت". *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال سوم، ۱ (۷)، ۲۱-۳۸.
- بهرام‌فر، ن. و مهرانی، ک. (۱۳۸۳). "رابطه بین سود هر سهم، سود تقسیمی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱ (۳۶)، ۲۷-۴۶.
- بورس اوراق بهادار تهران، (۱۳۸۹). گزارش آسیب‌شناسی سیاست تقسیم سود، معاونت مطالعات اقتصادی و توسعه بازار.
- پیری، پ. و حسین‌پور، و. (۱۳۹۳). "بررسی اثر بندهای تعدیلی گزارش حسابرسی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". *دانش حسابرسی*، ۵ (۱۹)، ۷۵-۹۴.
- حدادی، ح.، منصوری، ع. و فلاحی، خ. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین کیفیت سود و کیفیت حسابرسی. دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهراء.

- جهانخانی، ع. و قربانی، س. (۱۳۸۴). "شناسایی و تبیین عوامل تعیین‌کننده سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه تحقیقات مالی، (۶)، ۲۰-۴۳.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۹۰). فلسفه حسابرسی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حساس‌یگانه، ی. (۱۳۸۵). "چالش‌های قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی". حسابدار رسمی، سال سوم، (۱۰ و ۱۱)، ۲۹-۴۰.
- خدادادی، و.، حاجی‌زاده، س. و قربانی، ر. (۱۳۹۱). «نقش نظارتی حسابرس و سیاست‌های تقسیم سود». مجله پیشرفت‌های حسابداری، (۱) ۵، ۱۱۳-۱۴۰.
- رمضان‌زاده‌زیدی، ع. (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر تقسیم سود شرکت‌های شیمیایی و دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار". فصلنامه مدیریت، ۶ (۱۶): ۸۰-۸۷.
- ستایش، م.ج. و کاظم‌نژاد، م. (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله دانش حسابداری، ۱ (۱)، ۲۹-۵۱.
- سجادی، ح. و عربی، م. (۱۳۸۹). "تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود". نشریه حسابدار رسمی، دوره جدید (۱۲)، ۱۰۴-۱۰۸.
- سعیدی، ع. و کیهان، ب. (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر خطامشی تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهشگر، فصلنامه مدیریت، ۷ (۱۸)، ۶۱-۷۱.
- مجتهدزاده، و. و آقایی، پ. (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱ (۳۸)، ۵۳-۷۶.
- مهرانی، س. تالانه، ع. (۱۳۷۷). تقسیم سود در شرکت‌ها، حسابدار، سال دوازدهم، (۱۲۵).
- مرادی، ج.، سیرانی، م. و سیاح‌رزینی، م. (۱۳۸۹). "کیفیت سود و سیاست‌های توزیع سود نقدی شواهدی بر بورس اوراق بهادار تهران". پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۲ (۲)، ۱۳۵-۱۵۱.
- نمازی، م.، بایزیدی، ا. و جبارزاده‌کنگرلویی، س. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، ۲ (۹)، ۱۳۹۰.
- نیکخواه‌آزاد، ع. (۱۳۷۷). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی، صادره توسط کمیته مسئول تدوین بیانیه‌های مفاهیم بنیادی حسابرسی انجمن حسابداری آمریکا، تهران، سازمان حسابرسی کمیته تدوین رهنمودهای حسابرسی.

- Caskey, J. & Hanlon, M. (2013). "Dividends Policy at Firms Accused of Accounting Fraud". *Contemporary Accounting Research*, 30 (2): 818-850.
- Chambers, D. and Payne, J.L. (2011). "Audit Quality and Accrual Persistence: Evidence from the Pre- and Post-Sarbanes-Oxley Periods", *Managerial Auditing Journal*, 26 (5): 437-456.
- Lawsen, B. & Wang, D. (2014). Do dividends inform auditors about clients earning quality? Evidence from audit pricing. Working paper. Oklahoma State University.
- Lawsen, B. & Wang, D. (2011). Auditor monitoring and dividend payout policy. Retrieved from <http://www.ssrn.com>
- Skinner, D.J. and Solttes, E.F. (2010). "What do Dividends Tell us about Earnings Quality?" *Review of Accounting Studies*, 16 (1): 1-28.
- Karpavicius, S. (2014). Dividends: Relevance, Rigidity, and Signaling. *Journal of Corporate Finance*, 25: 289-312.
- Tsipouridou, M. & Spathis, Ch. (2012). "Earnings Management and the Role of Auditors in an Unusual IFRS Context: The Case of Greece". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21 (1): 62-78.
- Reichelt, K.J. & Wang, D.C. (2010). "National and Office-specific Measures of Auditor Industry Expertise and Effects on Audit Quality". *Journal of Accounting Research*, 48 (3): 647-686.